



روش‌هایی برای بهبود شیوه‌ی تدریس درس انشا

□ کریم علیرضایی- ایلام

باشد؛ یعنی در چند جلسه‌ی نخست از امور تخیلی و انتزاعی دوری جویم تا آنان را از مراحل حسّی و پدیده‌های اطراف خود به امور انتزاعی و ذهنی بکشانیم و نوعی بینش استقرایی به شاگردان القا کنیم و آنان را از موضوع ساده به موضوع مشکل هدایت نماییم.

۲- در چند جلسه‌ی اوّل انشا، هر ساعت یک قطعه‌ی خوب ادبی در کلاس خوانده شود و مطلب خوانده شده آن چنان گیرایی داشته باشد که دانش‌آموزان، نسبت به آن، بازتابی مثبت نشان دهند. قطعه‌های ادبی باید دارای پیام و اندیشه‌ای باشند که دانش‌آموزان بدان سوی هدایت گردند. اگر شاگردان از قطعات گفته شده در انشای خود، استفاده نمایند، سبب می‌گردد که میان مطلب آنان و مطلب به وام گرفته شده، تلاقی ایجاد گردد. این روش باعث پرورش ذهن و زبان آنان می‌شود و می‌تواند همانند آن را خلق کنند. در این مورد دکتر انزابی نژاد می‌نویسند: «از دانش‌آموزان می‌خواهیم که با دقت فراوانی به قطعه‌ای که خوانده می‌شود گوش کنند و پس از خواندن، تا آن‌جا که می‌توانند، عین قطعه و مقاله را بازنویسی کنند، حاصل این کار را ارزیابی می‌کنیم:

الف- دانش‌آموز، برای بازنویسی، ناگزیر است که خوب گوش دهد. در این جا بجاست گفته شود که هر چند سخنرانی فنی ارزشمند و هنرمندانه است، ولیکن، هنر مستمع بودن دقیق‌تر و دشوارتر از آن است و به پرورش بیشتری نیاز دارد. دانش‌آموز باید چنان تربیت شود که بتواند هنگامی که گوینده‌ای سخن می‌گوید، گوش و هوشش با وی باشد نه چنان که خود در میان جمع و دلش جای دیگر باشد.

ب- برآیند چنین تربیت و چنان گوش دادن این خواهد بود که دقت دانش‌آموز پرورش یابد.

ج- برای این که نوشته‌اش نزدیک به اصل باشد، مطلب و عبارات را به خاطر خواهد سپرد، بدین سان حافظه هم تقویت خواهد شد.^۱»

۳- در زنگ انشا سعی شود که کلاس درس از «شاگردمداری» خارج شود و فقط دانش‌آموز، گوینده نباشد، بلکه تربیتی اتخاذ

برای تدریس درس انشا راه‌حل‌های گوناگونی ارائه شده است که متأسفانه از سوی همکاران کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و هر معلمی باتوجه به سلیقه‌ی خویش به مسأله‌ی انشا می‌نگرد. همین تعدد اندیشه‌ها و نبودن برنامه‌ای مدوّن و مشخص، باعث سردرگمی و بی‌نظمی در تدریس و نمره‌گذاری درس انشا گردیده است و معلمان، به اضطرار در کلاس خویش، همان شیوه‌ی سنتی را اعمال می‌کنند.

معلم در نخستین گام، باید دانش‌آموزان را نسبت به تمام پدیده‌های ادبی و اجتماعی، انسان‌هایی منتقد و متفکر بار آورد؛ چون یکی از راه‌های نوشتن یک انشای خوب، فکر کردن درست و منطقی است. در اینجا این سخن سقراط به ذهن متبادر می‌شود که می‌گوید: «ای مردم تا فکر و عقل قوی نگردد، نمی‌توان مسئولیت‌های اجتماعی را پذیرفت، چه با ضعف فکر نمی‌توان به کشور خدمت کرد.»

پژوهشگران امر تعلیم و تربیت راه‌هایی برای تدریس درس انشا پیشنهاد کرده‌اند که تلفیقی از دیدگاه‌های آنان و نگارنده برای بهبود چگونگی تدریس انشا در پایه‌های مختلف نظام آموزشی ارائه می‌گردد تا چه قبول افتد و چه در نظر آید:

۱- در جلسات نخستین درس انشا، دانش‌آموزان را وادار سازیم که انشاهایی در مورد محسوسات اطراف خویش بنویسند. مثلاً از آنان خواسته شود که آنچه را در کلاس می‌بینند و یا کمبودهایی را که در مدرسه و یا کلاس خود احساس می‌کنند، به صورت دریافت‌هایی با دیدگاهی انتقادی و اصلاحی توصیف نمایند و پس از گذشت نیم ساعت از زنگ کلاس، شاگردان، انشاهای خود را بخوانند و معلم با دقت زیادی به مطالب آنان گوش فرا دهد و نوشته‌هایشان را در موضوع، محتوا و شیوه‌ی نگارش تصحیح کند و به دنبال آن، شاگردان نکاتی را که معلم یادآوری و تصحیح می‌نماید در دفتر خویش اعمال کنند.

بنابراین، موضوع‌هایی که در جلسات اوّل به دانش‌آموزان داده می‌شود، باید از امور حسّی و دریافت‌های عینی دانش‌آموزان

شود که دیگران و خود معلم در انشای او دخالت کنند و اظهار نظر نمایند و کلاس را به محیط بحث و گفتگو و تبادل اندیشه مبدل سازند تا کلاس از یکنواختی و حالت دل زدگی دور شود و شاگردان بتوانند از مطالب یکدیگر بهره مند گردند.

۴- به دانش آموزان تفهیم نماییم که اگر موضوعی برای آنان جالب توجه بود به همان جالب بودن آن اکتفا نکنند، بلکه درباره‌ی آن موضوع از بزرگ‌ترها، معلم مربوطه و یا معلمان دیگر بخواهند که اگر آگاهی و اطلاعاتی در مورد آن موضوع دارند، آنان را بی نصیب نگذارند. البته راهنمایی‌ها و ارشادهای آنان می‌باید در حد گفت‌وگو و محاوره باشد و به دانش آموزان تأکید شود که اگر خواستند از نظریات دیگران استفاده کنند، ایده‌های آنان را به صورت راهنمایی و هدایتگری تلقی کنند تا بتوانند بر اندوخته‌های ذهنی خویش تکیه کنند و خود آفریننده‌ی مضمون انشای خویش باشند.

۵- معلمان ادبیات باید الگوی تربیتی و آموزشی دانش آموزان باشند و در نوشتن انشا و قطعات ادبی بر همه‌ی دانش آموزان اشراف داشته باشند نه این که خود، توانایی نوشتن نداشته باشند ولی از دانش آموزان انتظار آفرینش آثار ادبی داشته باشند. در این باره استاد دکتر رزمجو می‌نویسد: «اما معلمی که خودش اهل مطالعه نیست، و کارش را سهل می‌گیرد، وضع از آنچه می‌شنویم، بهتر نمی‌شود. در حالی که معلم نگارش، معلم ادبیات، باید مظهر ذوق باشد، مظهر مطالعه باشد، که:

ذات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

خوب با این وضع موجود معلم و شاگرد در راهی سراب گونه سرگرداند و دل خوش^۲»

معلم باید چنان به موضوعات مختلف ادبی احاطه داشته باشد که اگر شاگردی، سخنی را از کتابی استفاده نمود و شاگرد اصرار می‌ورزید که مطلب مورد نظر از خود اوست، معلم مربوطه با دیدی آگاهانه، منبع و نویسنده‌ی آن نوشته را به دانش آموزان یادآوری کند تا شاگردان به توانایی معلمشان پی ببرند و اگر از کتاب یا منبعی استفاده نمودند، منبع مطلب مورد نظر را ذکر کنند که حسن امانت داری در آنان ایجاد گردد.

۶- برای این که کلاس درس انشا از یکنواختی خارج گردد و به بحث و تبادل نظر منجر شود، معلم، دانش آموزان را وادار سازد که هنگام خواندن انشا، هر کدام صفحه‌ی کاغذی روی میز گذاشته و به دقت به انشای دوستشان توجه نمایند و نکاتی که به نظر آنان می‌رسد، در پایان انشا به دوست خود گوشزد کنند و در این بحث و گفت‌وگو، معلم باید بر کار آنان نظارت داشته باشد و مطالب آن‌ها را اصلاح کند تا نکات مبهمی که وجود دارد، مرتفع شود.

۷- هر چند جلسه‌ی انشا یک بار، دانش آموزان کتابی که در دسترس دارند بررسی کرده و نظر خویش را در مورد آن بیان نمایند.

این کار چند نکته‌ی بارز به دنبال خواهد داشت: نخست این که دانش آموزان به مطالعه وادار می‌شوند. مورد دیگر این که دانش آموزان با شیوه‌ی نوشتن دیگران آشنا می‌شوند و روش بیان نویسنده در اندیشه‌ی آنان اثر می‌کند و با مآخذشناسی کتاب آشنا می‌گردند.

۸- معلمان ادبیات در هر جلسه‌ی انشا، نکاتی را که در آیین نگارش کاربرد زیادتری دارد، به شاگردان یادآوری کنند و اگر به توضیح و تفسیر بیشتری نیاز داشتند، در همان جلسه و هنگام خواندن انشا بر روی تخته سیاه بنویسند و به آنان توضیحات لازم ارائه کنند تا عملاً دانش آموزان با کاربرد آیین نگارش آشنا شوند.

۹- چون انشا درسی است که با ذوق و استعداد و سطح هر کلاس در ارتباط است، موضوع‌هایی که به عنوان انشا به شاگردان داده می‌شود، باید با موارد بالا منطبق باشد و از حیطه‌ی تفکر و دریافت و ذوق دانش آموزان فراتر نرود تا آنان بتوانند آن موضوع را در قالب ذهن خویش جای دهند و آن را تجزیه و تحلیل نمایند.

۱۰- به دانش آموزان تأکید شود که پس از آن که انشای خود را تدوین کردند، برای تصحیح و تنقیح آن، با صدای بلند برای خود و اهل خانواده بازخوانند تا در اصلاح و رفع عیب‌ها و نارسایی‌های آن، از افکار و دیدگاه‌ها و انتقادهای دیگران بهره‌مند شوند. چه بسیار نویسندگان بزرگی که کتاب‌های خود را در چند روز یا چند ماه نوشته‌اند ولی ماه‌ها و سال‌ها در تصحیح و بازنویسی آن‌ها وقت صرف نموده‌اند.

۱۱- برای این که ساعت انشا از حالت خستگی و یکنواختی بیرون آید، معلم در هر ساعت درس انشا با یک یا چند جلد کتاب در کلاس حاضر شود و کتاب‌ها را به دانش آموزان معرفی نماید و چند سطر یا قطعه‌ای از کتاب مورد نظر را برای شاگردان بخواند تا شور و نشاط در آنان ایجاد کند و در آینده، همگی شاگردان منتظر رسیدن ساعت درس انشا شوند. یا این که از دانش آموزانی که مایل هستند از کتاب‌هایی که در دسترس دارند و به آنها علاقه‌مند هستند و مطالب آن‌ها را جالب می‌دانند، یادداشتی بردارند و در کلاس درس مطرح نمایند تا دانش آموزان رغبت پیدا کنند.

۱۲- به دانش آموزان، انشاهای دسته‌جمعی یا فردی واگذار شود تا حالت تحقیق یا پژوهش درباره‌ی موضوع‌های خاصی از جمله: پیامبران، شاعران، نویسندگان یا مسائل علمی، اجتماعی، فرهنگی و غیره داشته باشد و روحیه‌ی پژوهشگری و تحقیق در آنان به وجود آید. اگر ما این روحیه‌ی پژوهشگری را در دوران پیش از دانشگاه در فکر و اندیشه‌ی شاگردان ایجاد نماییم، در دوران دانشگاه با مشکل بی‌میلی و عدم رغبت در کارهای پژوهشی دانشجویان، روبه‌رو نخواهیم شد.

۱۳- دکتر انزلی‌نژاد می‌نویسد «لازمه‌ی درست اندیشیدن و اندیشه را درست و رسا بیان کردن، ورزش و تمرین است. پس



لازم است که دانش آموز با اندیشه های درست و نوشته های زیبا خو بگیرد. بنابراین مهم ترین نقش معلم انشا این است که دانش آموزان را به این راه رهنمون گردد. برای این منظور، دانش آموزان باید در هر جلسه ی انشا، ضمن این که برای انشا تکلیفی انجام می دهند، نوشته ای نیز از کتابی، نشریه ای، مجله ای، با ذکر مأخذ و نام نویسنده، مترجم و دیگر خصوصیات نوشته عیناً در دفتر خود بنویسند. از این رهگذر، دانش آموز به دنیای خواندن و خواندنی راه خواهد یافت و برای این که نوشته ای خوبی تهیه کند تا مورد توجه قرار گیرد، ناگزیر دو سه مقاله خواهد خواند تا یکی را برگزیند.

حاصل این کار چند چیز است:

نخست این که، بسا دیده شده است که دانش آموزی، به علت این که نوشته اش خودش را راضی و خرسند نکرده است، از بیم دانش آموزان و احیاناً تمسخر آن ها، سرزنش معلم و حتی نمره ی بدرابه جان می خورد و به بهانه ای این که نوشته یا نیآورده، از خواندن انشا، سر باز می زند و کم کم این عقده در او ریشه می گیرد که نمی تواند چیز خوبی بنویسد و نمی تواند برای دیگران چیزی بخواند، و حال آنکه، وقتی که دانش آموز، مقاله ی خوبی را از جایی انتخاب کرده باشد، با اعتماد و اطمینان از مقبولیت نوشته، آن را می خواند و این غرور و شخصیت در او پامی گیرد که می تواند برای دیگران آموزشگر باشد. از این جنبه ی پرورشی که بگذریم، خواندن مقالاتی از این دست، به سبب آنکه لطیف و در سطحی بالاتر از نوشته های خود دانش آموزان است، از طرفی به ساعت انشاء، لطف و تنوع می بخشد، و از طرفی دیگر دانش آموز را به گشتن و جستن و برگزیدن، و دیگر سخن، به تحقیق و یادداشت کردن و سند دادن عادت می دهد.^۳

۱۲- نکته ای که تمامی نویسندگان، پژوهشگران و اندیشمندان بر آن تکیه دارند، مطالعه ی مستمر و مداوم دانش آموزان است؛ چون آشنایی با آثار نویسندگان بزرگ، باعث می شود که عبارات و جمله های جذاب و گیرای آن ها در ذهن شاگردان تأثیر بگذارد و جایگزین اندیشه های ضعیف و نادرستشان گردد، زیرا با خوب گوش کردن، خوب فهمیدن، خوب فکر کردن، خوب حرف زدن، خوب نگاه کردن، خوب پرسیدن، خوب خواندن و مطالعه ی زیاد، خواهند توانست، خوب چیز بنویسند و خوب نوشتن را به وسیله ی مطالعه ی منطقی و مداوم، که ابزاری قوی و مؤثر است، تقویت کنند.

۱۵- آشنا کردن دانش آموزان با متون و اشعار شاعران پارسی گوی و آنان را ملزم نمودن به این که، اشعار نغز زیادی از شاعران را حفظ کنند تا ملکه ی ذهن آنان گردد و بتوانند به هنگام نوشتن انشا، از اشعار آنان به عنوان شاهد مثال و تأیید نظر خویش استفاده نمایند.

۱۶- دانش آموز آگاه در هر جا که موقعیت ایجاب کند - در

سخن خویش با استادی و هنرمندی، به مفاهیم قرآن، نهج البلاغه، گلستان، کلیله و دمنه و ... و داستان های معروف و مثل های رایج اشاره می کند و کلام خویش را به آن می آراید، زیرا حفظ کردن و به خاطر سپردن مثل ها، تمثیل ها، احادیث و سخنان دانشمندان و بزرگان و بیان این گونه کلمات و جملات کوتاه در انشا، باعث استحکام و رسایی کلام خواهد شد و سعی شود که این روش در کلاس درس انشا تعمیم داده شود تا اندیشه ی دانش آموزان تقویت گردد.

۱۷- در اغلب انشاهای دانش آموزان به بسیاری از قطعات ادبی - عاطفی برمی خوریم که طوطی وار حفظ شده اند و یا به طور مستقیم از متن اصلی کتاب مورد نظر استفاده نموده اند. برای آن که، شاگردان در مسیر درستی از وجدان علمی و ادبی قرار گیرند، معلمان باید قطعات ادبی آنان را بررسی و زیبایی های این قبیل متن ها را بیان کنند و به دانش آموزان تأکید نمایند که عیناً مطالب دیگران را منعکس نکنند، بلکه خود با تغییر در شیوه ی کلام آن ها، سخن جدیدی بیافرینند و در انشای خود به کار ببرند.

۱۸- دانش آموزان را متوجه سازیم که امر نگارش با زبان گفتاری متفاوت است. در این مورد دکتر وزین پور عقیده ی خاصی را ابراز می دارند: «در روزگاران قدیم، میان زبان گفتاری و نوشتاری تفاوت بسیاری وجود داشت و نوشتن، به ویژه انشای ادبی، در سطح تکلم و زبانی که برای سخن گفتن متداول بود، قرار نداشت، اما امروز چنین نیست و آن همه اختلاف که در زمان گذشته در این مورد برقرار بود، دیده نمی شود. همگان به زبان ساده گفت و گو می کنند و به شیوه یی ساده و روان می نویسند. دیگر، کسی به سبک گلستان سعدی و کلیله و دمنه ی بهرامشاهی، کشف المحجوب جلابی هجویری، تاریخ جهانگشای عظاملک جوینی و غیر این ها نمی نویسد و اگر ما این ذخایر گران بهای ادبی را در برنامه های درسی آموزشگاه ها قرار داده ایم برای آن نیست که روش نگارش آن ها را مورد پیروی قرار دهیم، بلکه از آن جهت است که با شاهکارهای ادبیات فارسی آشنا شویم و آن گنجینه های گران بها را یاس داریم، هر چند نثر گلستان، تاریخ بیهقی و بسیاری از کتاب های دیگر، در پاره ای از شیوه ی نگارش کنونی ساده تر و دل پذیرتر است.^۴»

همکاران گرامی به دانش آموز متذکر شوند که نوشتن کلمات به صورت گفتاری در انشای آنان، درست نیست، اما در جمله هایی که عیناً از کسی نقل می شود، اشکالی ندارد که کلمه ها را به همان سیاق یعنی به صورت شکسته و عامیانه و گفتاری امروزین بنویسند.

۱۹- باید دانش آموزان را به این امر مهم آگاه کنیم که نویسندگی و نگارش در زندگی شخصی و اجتماعی آنان، نقش مؤثر و باارزشی دارد و تمام اندوخته هایشان به انشا و چگونه نوشتن آنان برمی گردد. ضعف نگارش بدون تردید در دیدگاه مردم، بی سواد تلقی خواهد





اختیار آنان قرار می‌دهد و باید میان درس‌های فارسی و انشای پیوستگی وجود داشته باشد، یعنی این که دانش‌آموزان بتوانند از واژگان و اصطلاحاتی که در سال‌های گذشته خوانده‌اند، بهره‌مند گردند و توانایی آن را پیدا کنند که از ذخیره‌ی فکری خود، استفاده کنند، چون هر اندازه واژگان و اصطلاحات بیشتری در ذهن انسان به ویژه شاگردان جای گیرد، توانایی آنان در بیان اندیشه‌ها و تفکرات، بیشتر خواهد شد و می‌تواند انشایی را با محتوا و پیام کاملی بیافریند. یکی از ویژگی‌هایی که در ارتباط با کتاب‌های فارسی و متون ادبی می‌تواند در دانش‌آموزان ایجاد تحرک کند، خواندن همراه با درک صحیح و درک صحیح در جهت نوشتن خوب است و این روش در سال‌های دبستان مورد استفاده دارد و اگر دانش‌آموزان در این جهت هدایت شوند، در سال‌های آینده، کیفیت نوشتن آنان مطلوب می‌شود.

۲۶- می‌توان هر سه ماه سال تحصیلی را این‌گونه تقسیم‌بندی کرد که هر شاگرد در طی این سه ماه، چهار موضوع انشا را انتخاب و در موقعیت‌های مناسب ارائه نماید و برای هر موضوع، ۵ نمره منظور گردد و شاگردان به علت وقت زیادی که دارند، می‌توانند از منابع مختلفی بهره‌برند و فرصت آن را پیدا خواهند کرد که انشاهای خود را تجزیه و تحلیل کنند. در مجموع تا شروع آزمون‌های هر نوبت، شاگردان، نمره‌هایی در دفتر معلمشان خواهند داشت که جمع نمره‌های موردنظر، نمره‌ی کلاسی هر نوبت آنان محسوب می‌شود.

۲۷- یکی از موارد مهمی که در هر کلاس درس انشا باید مد نظر معلم ادبیات باشد، مسأله‌ی سخنرانی و حضور طبیعی دانش‌آموز در جمع دوستان خود است که در بسیاری از مواقع، دانش‌آموزان و حتی دانشجویان ادبیات فارسی از آن فرار می‌کنند. دکتر انزلی‌نژاد می‌نویسد:

«یکی از کمبودهای دردآور و حسرت‌باری که در بسیاری از دانش‌آموزان و در مراحل بعد، در بزرگسالان دیده می‌شود، ناتوانی آنها در بیان اندیشه است، و اگر سخن گفتن را صورت شفاهی انشا بدانیم، بنابراین، در درس انشا، این نیز باید مورد توجه قرار گیرد که تا حد امکان، دانش‌آموزان برای گفتار حضوری و سخنرانی برای جمع، ورزش فکری بکنند. پس این نیاز هست که در هر جلسه، دانش‌آموزی، با مطالعه‌ی قبلی و استفاده از کتاب‌ها و نوشته‌ها، درموردی هر چند کوتاه، چهار یا پنج دقیقه سخنرانی کند. این برنامه اگر در نخستین جلسه‌ها با گرمی استقبال شود، بی‌شک پس از سه چهار جلسه، بسیاری از دانش‌آموزان علاقه‌مند خواهند بود که: «سخنران جلسه‌ی آینده باشند، به خصوص که معلم برای این کار ارزش نمره‌ای منظور ندارد.»^۶

اکثر دانش‌آموزان نسبت به سخنرانی در کلاس، عکس‌العمل‌های منفی داشته‌اند باید با ایجاد زمینه‌های مساعدی چون سخنرانی در کلاس درس، در پرورش حسن‌انیت در آنان،

شد، پس باید این آگاهی را به آنان ابلاغ کنیم تا در تقویت و توانا ساختن توان علمی نگارش خود، اهتمام ورزند و در جهت شکوفایی آن کوشش نمایند.

۲۰- همکاران باید از یک نواختی عنوان‌های انشاها پرهیز کنند و سعی نمایند که موضوعات متعدد انتخاب کنند، چون یک نواختی انشاها، موجب خستگی و ملال دانش‌آموزان خواهد شد و با حالت بی‌میلی به موضوعات انشا می‌نگرند و سبب ناآرامی و بی‌توجهی آنان می‌گردد.

۲۱- می‌توان به دانش‌آموزان متن برگزیده (منتخب) داد، یعنی با نظر مشورتی معلم، یک متن آزاد انشایی انتخاب کند، نه این که در تمام موارد معلم، موضوعات انشا را پیشنهاد کند، چون موجب دلزدگی و رمندگی خواهد شد. گاهی برخی از پدیده‌ها و مسائل از دریچه‌ی دید معلم خارج است و شاگرد در خانه یا در هنگام عبور از خیابان و کوچه، موضوعی به ذهنش می‌رسد و می‌تواند درباره‌ی آن موضوع، انشایی بنویسد.

۲۲- برای آن که در این درس پرفرازونشیب، حس کنجکاوی و بینش شاگردان تقویت شود، نباید آنان، نسبت به پدیده‌های اطراف خویش، به ویژه طبیعت که دارای جلوه‌های گوناگون است، بی‌تفاوت باشند، بلکه نوعی ارتباط ذهنی میان خود و طبیعت برقرار سازند و دریافت‌های خود را بر روی کاغذ بیاورند و در کلاس، دریافت‌های خود را بازخوانند. این روش انگیزشی است که ذهن شاگردان را نسبت به طبیعت و محیط اطرافشان پرکار می‌کند، زیرا بسیاری از رمان‌ها و داستان‌هایی که در جهان امروز مطرح هستند از همین کنج‌کاوی و جرعه‌ی ذهنی انسان‌ها ایجاد شده‌اند و هر قدر ذهن انسان در ارتباط با محیط اطراف، پرکار باشد، جهان‌شناختی انسان کامل‌تر خواهد شد.

۲۳- یکی از راه‌های آسان برای تمرین نویسندگی و انشای، برگرداندن قطعات ادبی اعم از نظم و نثر به زبان ساده و روان است، (البته برای مدت زمانی محدود و در چند جلسه) که باعث تسلط آنان بر متون نظم و نثر می‌شود و شاگردان می‌توانند در مواقع ضروری از این گونه مطالب در انشای خود استفاده جویند که علاوه بر آفرینش در ذهن آنان، تمرینی برای امر نگارش خواهد شد و آنها را در بیان معنای بیت‌ها، یاری خواهد کرد.

۲۴- هم‌کاران باید برای نوشتن انشا، شوق و رغبت دانش‌آموزان را برانگیزند تا آنان در انتخاب انشا مشارکت داشته باشند و اگر احتیاج باشد، منابع و مآخذی که دانش‌آموزان می‌توانند از آنها استفاده نمایند، معرفی کنند تا شوق و ذوق آنان به نوشتن انشا برانگیخته شود.

۲۵- باید به این واقعیت توجه نماییم که درس انشا، متنوع و جدا از سایر دروس نیست بلکه هدف کلی و بارزی که در کتاب‌های فارسی و متون ادبی به چشم می‌خورد، این است که گنجینه‌ای از واژگان لازم را به تدریج و مناسب استعداد و ظرفیت شاگردان در



مراحل نگارش انشا

هر نوشته‌ای که دارای پیام و هدف خاصی باشد، باید مراحل و ضوابطی را طی کند تا آن پیام موردنظر با کیفیت بهتری به گیرنده، ابلاغ شود. درس انشا از این قانون کلی جدا نیست و عواملی چند در نوشتن انشا مؤثرند که عبارتند از:

الف - آغازینه (مقدمه): آغازینه، مرحله‌ای از اندیشه است که خواننده یا شنونده به سوی موضوع اصلی هدایت می‌شود و شرایط ذهنی وی برای سخن موردنظر آماده می‌گردد. در درس انشا همین ویژگی مورد نظر است و باید برای بیان اندیشه و محتوای انشا، آغازینه‌ای برای ورود به موضوع آن وجود داشته باشد. پیش درآمد یا سرآغاز یا آغازینه در علم بدیع، «براعت استهلال» و «حسن مطلع» نامیده می‌شود که جزو زیورها و آرایه‌های معنوی کلام به شمار می‌رود و آن چنان است که نویسنده در آغاز سخن خود، مطالبی دل‌نشین و مضامینی زیننده و متناسب آغاز می‌کند و ذهن خواننده را پیشاپیش بامضمون اصلی آشنا می‌سازد. در آغازینه نباید کلی‌گویی شود بلکه باید رسا و تا آن‌جا که ممکن است، کوتاه باشد و مستقیماً به اصل موضوع پرداخته شود، زیرا برداشت درست و دقیقی به دست نخواهد داد و برای خواننده دشوار است؛ زیرا او می‌خواهد که زودتر به اصل مطلب برسد و نمی‌خواهد که مدت زیادی در انتظار بماند. ارزش آغازینه در آن است که مطلب موردنظر به طور مجمل و کوتاه بیان شود و ذهن خواننده را به اصل مطلب هدایت کند.

دکتر آران می‌نویسند: نگارش مقدمه، برای پیشینیان بسیار اهمیت داشته، و گذشته از کتاب‌ها و رساله‌ها و منظومه‌ها و مقاله‌ها، در نامه‌های رسمی و درباری و مکاتبات خصوصی نیز، نگارش مقدمه از واجبات بوده و نوشته‌ی بی مقدمه را به تن‌بی‌سر مانند می‌کرده‌اند.^۹

شکی نیست که اگر نوشته‌ای دارای آغازینه (سرآغاز) متناسب و زیبا و کوتاه باشد، دل‌نشین‌تر و بهتر جلوه می‌کند.

دکتر وزین پور درباره‌ی مقدمه می‌نویسند: «مقدمه، گاه شامل تعریف کلمه یا کلماتی است که موضوع سخن است یا در موضوع انشا آمده است. تعریف باید جامع و مانع باشد، یعنی آنچه را که مورد بحث است، به طور دقیق و کامل بشناساند و تنها در اطراف موضوع سخن دور بزند، نه چیزهای مشابه یا نزدیکی به موضوع، گاه مقدمه مرکب از نکاتی است برای شروع بحث و آماده کردن ذهن خواننده جهت درک مطلبی که در طی انشا مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در این صورت ممکن است، مقدار این مقدمه زیاد باشد و به تدریج خواننده را در مسیر موضوع مورد گفت و گو قرار دهد. این نوع مقدمات، در مرحله‌ی تفسیر لغوی یا تعاریف مختصر متوقف نمی‌شود و خود، بخشی از متن کلام به شمار می‌رود و محقق است که این قبیل مقدمات، ویژه‌ی مطالب طولانی، مهم، علمی و استدلالی است.

گاه نویسنده در مقدمه به چند تعریف از دیگران، که جامع و

گام‌های مؤثری برداریم. سخنرانی، نوعی ایجاد فرصت برای اظهارنظر از سوی شاگردان است که در بروز و پرورش استعدادها و تواناییهای آنان تأثیر بسیاری دارد و خواهند توانست به این وسیله، استعدادهای خود را بروز داده و از کم‌رویی و احساس شرمندگی و حجب و حیای بی‌مورد، دوری جویند و اندیشه‌های خود را بی‌پرده بیان نمایند.

۲۸- کوشش شود که شیوه‌ی روان‌نویسی و ساده‌نویسی به دانش‌آموز یاد داده شود، اگر واژگان مصنوعی و دور از ذهنی از آنان خواسته شود، پس از مدتی، انگیزه‌ی نوشتن را از دست می‌دهند و گرایش به سوی نوشتن انشا نخواهند داشت و رفته رفته جرأت نوشتن را از دست خواهند داد.

۲۹- اشکالات مربوط به درس انشا، در واقع از همان سال‌های اوّل دبستان که کودکان، این درس را با جمله‌نویسی شروع می‌کنند، پدید می‌آید. برخی از معلمان دانسته یا نادانسته کم‌ترین اهمیتی برای تمرین‌های کتاب فارسی قائل نیستند و پس از آن‌که چند بار از روی درس خوانده شد، شخصاً پرسش‌ها را در کلاس پاسخ می‌دهند تا دانش‌آموزان در کتاب‌هایشان بنویسند و تمرین‌های مربوط به تکالیف شب‌های اوّل و دوم را نیز به شرح بالا انجام می‌دهند. اغلب دانش‌آموزانی که در این قبیل کلاس‌ها شرکت کرده‌اند، چون متن درس را درک نکرده‌اند، بدیهی است که قادر نخواهند بود، جملات محکم و زیبایی بسازند و یا برداشت‌های خود را از موضوع درس در چند جمله بنویسند و یا حتی بیان کنند. این دانش‌آموزان همان‌هایی هستند که در سال‌های بعد برای نوشتن انشا، شب هنگام به سراغ والدینشان می‌روند تا صبح روز بعد در کلاس نمره‌ی خوبی به دست آورند.^{۱۰}

۳۰- «دستیافت‌های علم روان‌شناسی تربیتی تأکید می‌کند که آموزش مستقیم پیام‌های اخلاقی و تربیتی چندان کارایی ندارد اما باید به حق انتخاب‌های دیگری که یک معلم انشا دارد و معمولاً به آنها بی‌توجه است، اشاره کرد.

اگر از فرزند یک آراهه بخواهید که انشایی بنویسد و بازگشت پدرش را برای هم‌کلاسی‌های خود، تعریف کند به تجربه‌ای بکر، ارزشمند و زنده دست زده‌اید. اما اگر از خیل دانش‌آموزانی که بعد از بیست و دوم بهمن ماه پنجاه و هفت به دنیا آمده‌اند، بخواهیم که در مورد سالگرد پیروزی انقلاب انشا بنویسند به کدام هدف دست یافته‌ایم؟ آیا جز این است که انشاهای نوشته شده، منعکس‌کننده‌ی تجربه‌ها و خاطرات والدین آن‌هاست یا رونویس مطالب روزنامه‌ها و مجلات و کتاب‌ها؟^{۱۱}

۳۱- در پایان این‌که، به دانش‌آموزان یاد دهیم که هر اندازه می‌توانند، بیشتر و دقیق‌تر ببینند، چون همان اندازه نوشته‌ی آنان پسندیده‌تر خواهد شد. و هر چه تفکر آنان، منطقی‌تر و منظم‌تر باشد، انشای مورد نظر، برجسته‌تر و زیباتر خواهد بود.

خطاب قرار می دهند و پندها می گویند، نتیجه‌ی داستان خود را به طور آشکار و پندوار ذکر می کنند، این خواننده است که باید از سیر داستان نتیجه‌ی لازم را دریابد. با این همه، نتایجی که از یک انشا، گرفته می شود، گاهی جنبه‌ی امری دارد و مردم یا گروهی از مردم را به انجام دادن یا ندادن کاری، برنامه‌ی، طرحی و امثال این‌ها دعوت می کند که مثلاً باید چنین شود... باید چنان باشد... نمی تواند چنین نباشد. گاه نتیجه‌ی چیزی جز تکرار موضوع مقاله نیست که به صورت جمله‌ی خبری بوده و درستی آن به اثبات رسیده است: بنابراین نتیجه‌ی می گیریم که هر شکست، مقدمه‌ی برای یک پیروزی تازه است. گاهی هم نتیجه، پاسخ کوتاهی است به موضوع مقاله که به صورت جمله‌ی پرسشی بوده است، بعضی از نتیجه‌ها هم چیزی جز خلاصه‌ی مطالب متن نیست و گاهی هم نتیجه، مطلب تازه‌ی است که از متن استنتاج می شود.^{۱۱}

می توان گفت که: پایانی، شیرازه و عصاره‌ی کلام است که خواننده به این وسیله، نسبت به مضمون انشا یا نوشته و هدف نهایی و کلی نویسنده‌ی آن واقف می شود.

بگونه‌ی تصحیح انشا و ریزنمره‌ی آن

باتوجه به این شاگردان دارای طرز تفکر و دیدگاه‌های مختلفی هستند، تعیین معیاری برای تصحیح و ریزنمره‌ی انشا، دشوار است و تاکنون هم چهارچوبه‌ی خاصی برای تصحیح این درس ستم دیده و به گفته‌ی شادروان جلال آل احمد: «ملاط دیگر نمره‌ها»، تدوین نگشته و نمره‌گذاری انشا، هنوز هم تابع برداشت شخصی و ذهنیت معلمان است، این روش، موجب تضييع حق دانش‌آموزان گردیده و در مواردی بیش از حق آنان داده شده است.

دکتر گرد فرامیزی می نویسد: تصحیح انشا، یکی از مراحل حساس در درس آیین نگارش است، دبیر، در این خصوص مانند باغبانی است که علفهای هرز را از پیرامون محصول، نابود می سازد و یا شاخ و برگ‌های اضافی و نابجا را از درخت جدا می کند تا کشتزار، پر بار و میوه‌هایش خوش گوار شود...»

برای تصحیح درس انشا، روش‌های زیر پیشنهاد می شود:

۱- نظام آموزشی در راستای اهمیت دادن به درس انشا، هر دوره‌ی معلّمی را در مقاطع راهنمایی و متوسطه، ملزم نماید که بیش از یک یا دو درس انشا نداشته باشند، زیرا اگر دبیری، چندین ساعت درس انشا (به ویژه در کلاس‌های پرجمعیت کنونی) در برنامه‌ی او گنجانده شود، بدون گمان، مستلزم وقت زیادی است و کارایی مطلوبی دربر نخواهد داشت و درس انشا به عنوان یک زنگ تفریح تلقی می شود و نتیجه‌ی نامطلوب و جبران‌ناپذیری به بار می آورد.

۲- وزارت آموزش و پرورش برای ارتقاء بنیه‌ی علمی معلمان در امر تدریس و تصحیح درس انشا، دوره‌ها و جزوه‌هایی توجیهی ترتیب دهد که نسبت به حساسیت مسأله، با دید وسیع‌تری توجه شود و معلمان ملزم شوند که در چهارچوبه‌ی تعیین شده عمل

مانع نیست، اشاره می کند و سرانجام خود، تعریف جامع و مانع به دست می دهد و آن را با آوردن مثال روشن می کند.^{۱۲}

ابن ندیم در سرآغاز کتاب الفهرست درباره‌ی عدم نیاز به مقدمه و دست‌یابی به موضوع اصلی می نویسد: «مردم تشنه‌ی به دست آوردن نتایجند نه مقدمات، و از رسیدن به آرزو و هدف خود شاد می شوند، نه از تطویل و اطباب در عبارت^{۱۳}».

ب- سبک و چگونگی نگارش انشا: مهم‌ترین بخش هر انشایی، متن و چگونگی نگارش کلامی آن است که نویسنده در این بخش، پیام و نیروی بیان خویش را به منصه‌ی ظهور می نشاند و موضوع اصلی را بسط می دهد و به بیان و تجزیه و تحلیل آن می پردازد. محتوای انشا باید از فصاحت کلام برخوردار باشد، یعنی جمله‌ها، روان، رسا، خوش‌آهنگ و خوش‌آیند گفته شوند و از پیچیدگی و غرابت معنوی و لفظی و کلمات نامأنوس و رمنده به دور باشند. و هر اندازه، چهره‌ی مقصود در نقاب تشبیه و خیال پوشانده شود، سخن، خیال‌انگیز و زیبا بیان گردیده است؛ زیرا در زمان ما نیز چون گذشته استفاده از نیروی تخیل و احساس برای گفتن برخی از سخنان، معمول است. به طور کلی سخن متن باید آن چنان باشد که خواننده را از هیجان لبریز و پیام اصلی را با بسط و گسترش به او منتقل نماید.

دکتر وزین پور در مورد محتوای یک نوشته می نویسد: «برای پدید آمدن یک اثر، باید بسیاری نکات با تسلسل منطقی در دنبال هم واقع شوند. همین «نکات» است که محتوای یک نوشته را تشکیل می دهد و نویسنده باید به قدر کافی درباره‌ی مضامین مطلب مورد نگارش بیندیشد و تا به دست نیامدن لااقل نیمی از مفاهیم مقاله یا کتاب خود، شروع به نوشتن نکند^{۱۴}».

ج- پایانی (نتیجه): دکتر آذران درباره‌ی حسن ختام یا پایانی می نویسد: «هم چنان که در پایان غزل‌ها و قصیده‌ها، معمولاً بیتی شیواتر و دلنشین‌تر به عنوان «حسن ختام» یا «حسن مقطع» می آورند، نوشته‌ها و نامه‌ها و مقاله‌ها و خطابه‌ها را نیز باید با عبارتی دل‌نشین، یا جمله و بیتی مناسب و مطلبی گیرا یا دعایی خالصانه پایان بخشید تا در ذهن خواننده یا شنونده اثری خوش برجا ماند و احیاناً ملالت و کسالت ناشی از خواندن یا شنیدن نیز از افق روحش برطرف شود. البته در مورد چگونگی پایان‌پذیری نوشته، قاعده و شیوه‌ای خاص، یا دستوری مطلق وجود ندارد و بر روی هم این امر بستگی دارد به چگونگی مطلب و نوع موضوع و نیز ذوق و سلیقه و مهارت نویسنده^{۱۵}».

«نتیجه‌ای که از هر بحث گرفته می شود، معمولاً به صورت یک بند یا دستورالعمل یا پیشنهاد یا هشدار و غیر این‌ها در پایان آن نوشته می آید، گاهی نتیجه‌ی یک انشا در متن آن نهفته است و به صورت جداگانه و مشخص بیان نمی شود. چنان که در داستان‌های مشهور نویسندگان بزرگ هم روش کار به همین نحو است، و آن‌ها، همانند کودکان دبستانی که در پایان انشای خود، افراد کلاس را مورد



نمایند.

۳- برخی از هم‌کاران در دوره‌ی ابتدایی و راهنمایی، درس انشا را مستقل از درس‌های دیگر، بررسی نمی‌کنند و دیده شده است که شاگردی که اغلب در تمام دروس، نمره‌ی بالایی دارد، نمره‌ی انشا را به پیروی از دیگر نمره‌ها در نظر می‌گیرند، یعنی درس انشا به منزله‌ی کمک‌کننده به دیگر درس‌ها تلقی می‌شود و کمبود نمره‌ی دیگر دروس را جبران می‌کند. این واقعیت سر در گم به نبودن معیار درستی برای تصحیح درس انشا برمی‌گردد و برای آن قاعده و قانون مدون و روشنی را طلب می‌کند.

۴- معلم ادبیات در هنگام خواندن انشای دانش‌آموزان در کلاس برگه‌ای در پیش روی داشته باشد و اشتباهاتی که دانش‌آموزان در هنگام خواندن انشای خود، مرتکب می‌شوند، در همان برگه بنویسد و در موقعیت‌های مناسب، به شاگردان یادآوری کند تا به اشتباه خویش پی ببرند و مورد اشتباه را رفع کنند، چون شاگردان متوجه می‌شوند که معلم به نوشته‌های آنان توجه دارد و از سویی دیگر در انشاهای بعدی، سعی می‌کنند که اشتباهات مرتکب شده را تکرار نکنند. ناگفته نماند که این شیوه‌ی خواندن و تصحیح انشا در بسیاری از مدارس ما معمول است ولی از دیدگاه استاد گروفرامرزی دارای عیوبی است به شرح زیر:

الف- ممکن است که شکل واقعی انشا با آنچه که خوانده می‌شود، یکسان نباشد و حتی مواردی دیده شده است که دانش‌آموز چیزهایی را خوانده که اصلاً ننوشته بوده است و هم چنین است مواردی که کلمه‌ای عامیانه نوشته شده باشد، اما به صورت صحیح خوانده می‌شود.

ب- اشتباهات املایی به کلی از نظر دور می‌ماند.

ج- گاهی طرح بعضی از مطالب، به دلیل جهت‌گیری خاص سیاسی یا دینی آن، در کلاس صحیح نیست، اگر دبیر، نوشته‌ای را قبلاً نخوانده باشد، ممکن است از این جهت موجب اشکال شود.

د- نقطه‌گذاری، اصولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

۵- تصحیح انشا باید هماهنگ با اندوخته‌های ذهنی دانش‌آموزان باشد، یعنی این که در جلسه‌های اول نباید تمام ریزه‌کاری‌ها و اشتباه‌های آنان مرتفع گردد، بلکه به مرور و با حوصله‌ی فراوان و با توجه به دریافت‌های گذشته و کتاب آیین نگارش کنونی، انشای آنان تصحیح شود.

شیوه‌هایی که استادان فن ادبیات فارسی برای تصحیح و ریزنمره‌ی انشاء ارائه کرده‌اند، عملاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرند و برای آن که به «عدالت نسبی در نمره‌انشا» نزدیک شویم، پیشنهادهایی در مورد بارم‌بندی درس انشا می‌شود:

برای آن که تا حدودی در مورد نمره‌ی آزمون درس انشا دانش‌آموزان اجحاف نشود، مواردی که در ریزنمره‌ی انشا، دخالت دارند در کنار برگ ویژه‌ی آزمون انشا درج گردند و براساس بارم‌بندی مورد نظر، برگ آزمون انشا دانش‌آموز، تصحیح شود،



یعنی «چهارچوبه‌ی خاص»، «نمره خاصی» را طلب می‌کند و دیگر، معلم، احساسات و سنجش‌های شخصی خود را در نمره‌ی انشا دخالت نمی‌دهد، بلکه براساس معیارهای خواسته شده، برگ آزمون انشا را تصحیح می‌کند. اگر هر کدام از موارد تعیین شده با ورقه‌ی آزمون دانش‌آموز، منطبق نباشد، در مقابل همان نمره، حق او داده خواهد شد و در پایان، نمره‌ها را جمع کرده و نمره‌ی کل برگ آزمون انشاء مورد نظر، احتساب می‌شود.

بررسی نمره‌گذاری پیشنهادی درس انشا

الف- در مورد اهمیت و ارزش آغازینه (مقدمه) انشا، پیش از این گفت و گو شد و در اینجا این نکته یادآوری می‌شود که چه نوع پیش‌درآمدی (آغازینه) دارای نمره است و کدام آغازینه ارزشمند است؟ می‌توان گفت که مقدمه‌ای دارای نمره است که ساده و آن چنان عادی نوشته شده باشد که توجه و دقت خواننده را به دست بدهد و محیط حاکم بر انشا را منعکس نماید، نه این که مقدمه‌ای ادیبانه و پراحساس نوشته شود که هیچ‌گونه ارتباطی با موضوع و نحوه بیان انشا نداشته باشد.

ب- اصلی که باید در هر انشایی مهم تلقی شود، نحوه‌ی بیان و چگونگی استدلال و سبک نگارش آن است. انشایی که فاقد محتوا و مضمون ارزنده، روشن و جالب و اساسی باشد، جز مشت‌الفاظ بی‌روح نیست. بنابراین برای پدیدآمدن یک انشای خوب، باید بسیاری از نکات با پیوستگی منطقی به دنبال هم بیایند و ما از توالی منطقی و پرورش موضوع از سوی دانش‌آموز، به بیش و آگاهی او پی می‌بریم، زیرا دانش‌آموزی که بیشتر و دقیق‌تر و منظم‌تر تفکر کند، به همان اندازه، انشای او مطلوب‌تر خواهد شد. هم‌کاران گرامی با توجه به دیدگاه خود و نحوه‌ی بیان و پیام دانش‌آموزان یکی از موارد گفته شده (ضعیف، متوسط، خوب و عالی) را انتخاب می‌کنند و در مربع مربوطه، ضربدر می‌زنند و نمره‌ی داده شده را در مقابل آن درج خواهند کرد.

ج- در باب نتیجه‌گیری (پایانیه) در انشا، پیشتر سخن گفته شد و گفتیم که رعایت کردن آن در انشای مهم به شمار می‌رود، چون: برخی از نویسندگان، جان کلام و بهترین نکته‌ی نوشته‌ی خود را نگه می‌دارند تا در پایان سخن بیاورند و آن را پس‌غذای شیرینی می‌انگارند که کام خواننده را زمانی دراز، پس از پایان خواندن، شیرین نگاه می‌دارد. چنین پندار و روشی را در هر نوشتنی نمی‌توان به کار بست، زیرا بسا نوشته‌ها که ناخوانده مانده است و خواننده هرگز به جان کلام نویسنده دست نیافته است. پایان سخن یا نتیجه چیزی جدا از نوشته نیست. پژوهاکی است از آنچه در سرآغاز سخن آورده ایم و خلاصه‌ای است از تمامی نوشته، پس جان کلام و پس‌غذای شیرین را هم دربرمی‌گیرد.

د- در این تقسیم‌بندی به قول مشهور از «نمره‌ی وجبی» که البته غیرواقع است، جلوگیری به عمل خواهد آمد و معیاری مشخص،



به نام خدا

برگ ویژه‌ی آزمون درس انشا: دوره‌ی راهنمایی تحصیلی

الف- آغازینه (پیش درآمد) =

نمره ۲

ضعیف = ۴

ب- روش بیان و استدلال

متوسط = ۶

و چگونگی پیام انشا

خوب = ۸

عالی = ۱۰

ج- به کارگیری نشانه گذاری و دستور زبان فارسی =

نمره ۲

د- پاکیزگی برگه و چگونگی پاک‌نویس =

نمره ۲

ه- رعایت املائی درست و ازگان =

نمره ۲

و- پایانیته (نتیجه گیری) =

نمره ۲

جمع نمره‌ها =

به نام خدا

برگ ویژه‌ی آزمون درس انشا: رشته‌های عمومی متوسطه

الف- آغازینه (پیش درآمد) =

نمره ۲

ضعیف = ۶

ب- روش بیان و استدلال

متوسط = ۸

و چگونگی پیام انشا

خوب = ۱۰

عالی = ۱۲

ج- به کارگیری نشانه گذاری و دستور زبان فارسی =

نمره ۲

د- پاکیزگی برگه و چگونگی پاک‌نویس =

نمره ۲

ه- رعایت املائی درست و ازگان =

نمره ۱

و- پایانیته (نتیجه گیری) =

نمره ۱

جمع نمره‌ها =

به نام خدا

برگ ویژه‌ی آزمون درس انشا: رشته‌ی ادبیات و علوم انسانی متوسطه

الف- آغازینه (پیش درآمد) =

نمره ۱

ضعیف = ۱

ب- روش بیان و استدلال

متوسط = ۲

و چگونگی پیام انشا

خوب = ۳

عالی = ۴

ج- به کارگیری نشانه گذاری و دستور زبان فارسی =

نمره ۲

د- پاکیزگی برگه و چگونگی پاک‌نویس =

نمره ۱

ه- رعایت املائی درست و ازگان =

نمره ۱

و- پایانیته (نتیجه گیری) =

نمره ۱

جمع نمره‌ها =

پیش روی مصحح می‌گذارد، زیرا پاسخ دانش آموز در برگ آزمون انشا مشخص است و نمره‌ی داده شده در برابر آن نیز معلوم، و معلّمان، خود را مسئول می‌دانند که از این نمره گذاری پافرا تر نهند و احساسات خویش را در آن دخالت ندهند و براساس ضابطه‌ی کلی مشخص شده، اعمال نظر فرمایند و سلیقه‌ی شخصی را کنار می‌گذارند و در این رهگذر، درس انشا چون دروس دیگر تصحیح خواهد شد و از این اصل همه‌گیر و شیوه‌ی سنتی که اکنون در مدارس ما، ساری و جاری است و نمره گذاری انشا هنوز تابع احساسات و دریافت‌های ذهنی معلّمان است، دور می‌گردد.

هـ- در این بخش بندی، دانش آموزان، خود را در دایره‌ی بسته‌ای به نام نمره گذاری می‌بینند و به اجبار، نمره گذاری حاشیه‌ی سمت چپ برگ آزمون خویش را (فرم‌های نمونه، پیوست این مقاله) رعایت می‌کنند زیرا نادیده گرفتن موارد نوشته شده از سوی دانش آموز به سود او نخواهد بود و این سنجش سبب می‌گردد که عدالت در نمره گذاری رعایت شود و هر دانش آموزی به طور نسبی به حق خویش برسد و نسبت به آن مسئولیت بیشتری از خویش نشان دهد.

۱- رشد ادب فارسی، شماره‌ی ۷، صص ۶۰۵.

۲- همان، شماره‌ی ۱۳، ص ۶۴.

۳- همان مأخذ، شماره‌ی ۷، ص ۶.

۴- برسمند سخن، دکتر وزین پور، صص ۱۷-۲۰.

۵- رشد ادب فارسی، شماره‌ی ۳، صص ۲۲-۲۳.

۶- همان، شماره‌ی ۷، ص ۷.

۷- روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۲۰۰۳۳، مقاله‌ی آقای یحیی فتح نجات

۸- رشد ادب فارسی، شماره‌ی ۳۴، ص ۵۸.

۹- آیین نگارش، دکتر آذران، ص ۱۳۷.

۱۰- برسمند سخن، صص ۴۰ و ۳۱۸.

۱۱- الفهرست، ابن ندیم، ص ۳.

۱۲- برسمند سخن، ص ۵۰.

۱۳- آیین نگارش، دکتر آذران، ص ۱۳۹.

۱۴- برسمند سخن، صص ۴۲-۴۳.

کتاب نما

۱- آذران، دکتر حسین: آیین نگارش، چاپ اوگ، شرق، ۱۳۷۰.

۲- ابن ندیم: الفهرست، ترجمه و تحقیق از محمدرضا تجدد، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

۳- ثروت، دکتر منصور: آیین نگارش، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۴ (بلی کپی).

۴- درخشان، دکتر مهدی: درباره‌ی زبان فارسی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.

۵- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران.

۶- روزنامه‌ی کیهان، شماره‌ی ۲۰۰۳۳، مه‌ماه ۱۳۷۲، مقاله‌ای از آقای یحیی

فتح نجات با عنوان: لزوم توجه بیشتر به مهارت‌های نوشتاری دانش آموزان

در مدارس.

۷- معین، دکتر محمد: فرهنگ لغت معین، چاپ چهارم، امیرکبیر، ۱۳۶۴.

۸- نظامی عروضی: چهارمقاله، به کوشش دکتر محمد معین، امیرکبیر، ۱۳۶۶.

۹- آیین نگارش و خلاصه‌ی دستور زبان فارسی، ۱۳۶۴.

۱۰- رشد آموزش ادب فارسی، شماره‌های ۲ و ۵ و ۸ و ۱۳ و ۲۳ و ۳۴.

۱۱- نگارش و دستور، سال اوگ ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۶۹.

۱۲- آیین نگارش، سال دوم دبیرستان (عمومی)، ۱۳۶۸.

۱۳- وزین پور، دکتر نادر: برسمند سخن، انتشارات فروغی، ۱۳۷۰.